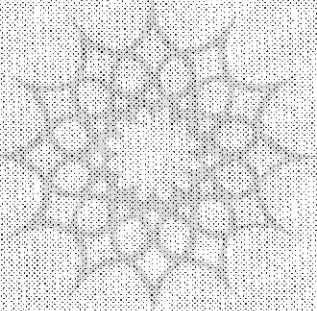




به جای سر مقاله



تأملی در حوادث اخیر و عملکرد پلیس

توحید عبدی^(۱)

◀ حوادث و اغتشاشات محدودی که در اواخر خردادماه در تهران و برخی از شهرستان‌ها اتفاق افتاد از منظر چندی قابل بررسی و مطالعه می‌باشد. واکاوی این جریان زمانی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که این وقایع به نحوی قرین و همراه فشار از خارج و خصوصاً فشارهای گوناگون امریکا بر کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از جمله محورهایی که شایسته است تا پیرامون آن تحقیق و بررسی شود، نقش و عملکرد پلیس در برقراری آرامش و کنترل اجتماعی به نحو کلی و پیرامون قضایای اخیر به گونه اختصاصی می‌باشد. اما پیش از پرداختن به موضوع فوق، لازم است به اجمال و گذرا به برخی از مسائل موجود در حوادث اخیر از جمله منابع و منشأ اغتشاشات، سطوح قابل تشخیص در این منازعات و بازیگران و بازیگردانان آن اشاره شود تا ان شاء الله بستری برای پژوهش محققان و صاحب نظران قرار گیرد.

الف) منشأ و سطوح حوادث اخیر

در برخی از متون و منابع که به بحث پیرامون سطوح منازعات و

خشونت‌های سیاسی پرداخته‌اند، به سه سطح در منازعات اشاره شده است که عبارتند از: ۱) منازعه بین حکومت و مردم؛ ۲) منازعه و خشونت بین حکومت و گروه‌های سیاسی و اجتماعی؛ ۳) خشونت بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی درون یک کشور.

طبیعی است سطح اول منازعات که بین مردم و حکومت جاری است در نظام‌ها و رژیم‌هایی مصداق دارد که شکاف و فاصله عمیقی بین مردم، حکومت و حکام وجود دارد؛ تقریباً شبیه آن چیزی که در دوران حکومت پهلوی در کشور تحقق داشت. سطح دوم منازعه را که به خشونت بین حکومت و گروه‌های سیاسی ناظر است، می‌توان بیشتر در آن گونه از رژیم‌های حکومتی دید که گروه‌های سیاسی به مبارزه با پایه‌های رژیم حاکم برخاسته باشند (که اغلب کمتر با حمایت آشکار مردمی همراه است) و سطح سوم منازعات که بیشتر به درگیری جریان‌ها و گروه‌های سیاسی موجود در درون یک کشور، ناظر است، می‌تواند در اغلب نظام‌ها و رژیم‌های حکومتی و کشورها واقع گردد.

حال با توجه به مطالب فوق می‌توان سطح منازعات و خشونت‌ها و اغتشاشات اخیر را طبقه‌بندی کرد، مبنی بر اینکه وقایع اخیر با کدام سطح از مراتب فوق سازگار و منطبق است.

پاسخ به این پرسش هرچند به نحو تفصیل از حد و حوصله این نوشتار فراتر است، اما به نظر نگارنده در حوادث خرداد ماه ۱۳۸۲ هیچ کدام از سطوح فوق مصداق پیدا نکرد و علی‌رغم تلاش بازیگردانان آن و به دلیل ماهیت بازیگران و نیز به دلیل ساختار و هویت مردمی نظام جمهوری اسلامی هیچ‌گاه سطح منازعه از حدود قشری محدود فراتر نرفت و به همین دلیل وقایع اخیر را می‌توان به نحوی اغتشاشات کور نامید که فاقد هرگونه هویت اجتماعی است.

نکته مهم دیگر، توجه به بازیگران اغتشاشات اعم از گروه‌ها، طبقات و یا افرادی می‌باشد که در آن به نحوی شرکت جستند. در خصوص بازیگران حوادث و خشونت‌های سیاسی، شورش‌ها، انقلابات و... رهیافت‌های گوناگونی وجود دارد که هر یک می‌تواند مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد؛ ولی آن چیزی که در حوادث اخیر قابل توجه بود، این است که علی‌رغم تلاش و تبلیغات فراوان شبکه‌های خارجی برای بزرگ، پر حجم و عمومی نشان دادن آن، کم‌شمار بودن تعداد این افراد راه را بر هرگونه تفسیر و تحلیل غیرواقعی و مغرضانه مسدود کرد. عدم استقبال مردم از فراخوانی وسیع مقامات امریکایی و اذنب آنان در داخل و خارج کشور و وجود صرفاً عده‌ای از اراذل و اوباش و صحنه‌گردانی آنان، مؤید فقدان هرگونه جنبش اجتماعی و فراگیر در کشور می‌باشد.

مسئله دیگر توجه به بازیگردانان و جریان‌های هدایت‌کننده اغتشاشات اخیر می‌باشد که تحصیل آن نیازمند اطلاعات و اخباری است که متولیان امر قطعاً به آن خواهند پرداخت؛ ولی آن چیزی که قطعاً قابل کتمان نمی‌باشد ورود فرصت‌طلبانه مقامات آمریکا و اعلام حمایت‌های وسیع از بازیگران اغتشاشات بود، به نحوی که این امر می‌تواند دلیل این باشد که دست‌های پنهان و برنامه‌ریزی مشخصی در حوادث اخیر در جریان بوده است. در هر حال توجه به بخشی از اظهارات یک سناتور امریکایی مبین بسیاری از حقایق می‌باشد. وی می‌گوید:

«به مردم پرشهامت ایران که امشب دست به تظاهرات زده‌اند، من حمایت کامل و ستایش و یاری خود را اعلام می‌دارم و این خبر را با کنگره و رسانه‌های امریکایی در میان خواهم گذارد تا امریکایی‌ها نیز از درجه شجاعت شما آگاه شوند.»

به نظر می‌رسد همین اظهارات بلاهت‌آمیز مقام‌های امریکایی بر سرافکنگی بازیگران و بازیگردانان آن کفایت می‌کند و نشان می‌دهد که

چگونه توطئه‌های آنان هر یک به تناوب به چه سرنوشت نافرجامی دچار می‌شوند و نه تنها تزلزلی در ارکان حکومت و کشور نیست، بلکه این حوادث بی‌گمان بر اقتدار آن در صحنه داخلی و بین‌المللی خواهد افزود.

ب) عملکرد پلیس

اما مطلب دوم که در واقع هدف اصلی این نوشتار می‌باشد، تأمل در عمل و رفتار و نقش سازمان پلیس در کنترل اغتشاشات اخیر می‌باشد. در اهمیت کار پلیس همین بس که هر چند پلیس اختیار قانون برخورد و کاربرد زور در مواجهه با اخلال گران نظم اجتماعی و امنیت عمومی را دارد، ولی استفاده نابجا و عملکرد نامناسب آن ممکن است در عرض چند ساعت وقایع و رخدادهای ناچیز را به یک مشکل ملی و فراگیر تبدیل کند، به گونه‌ای که پیامد آن برای کل جامعه سنگین باشد. در هر حال در خصوص عملکرد و نقش پلیس دو نکته قابل وجود دارد:

نکته اول اینکه نحوه عملکرد پلیس به عنوان سازمان کنترل‌کننده رسمی و متولی حفظ نظم اجتماعی و امنیت عمومی چگونه بود و آیا پلیس نقش موفق‌تری در کنترل حوادث داشت یا خیر؟ و نکته دوم اینکه در صورت مثبت بودن رفتار پلیس، علل و عوامل قابل توجه آن چیست؟

پیرامون نکته اول به جرأت می‌توان گفت سازمان پلیس در هفته‌های گذشته کارنامه‌های درخشانی در دفاع از آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، برقراری نظم اجتماعی و ایجاد آرامش و تأمین امنیت عمومی در سطح کشور برجای گذاشت.

مقایسه رفتار پلیس با رفتار و عملکرد در وقایع مشابه پیشین نشان می‌دهد، پلیس کشور به بصیرت و توانمندی بالفعل فراوانی رسیده است که حکایت از تحول اساسی در راهبرد و استراتژی کار پلیسی می‌باشد. کار

پلیس در وقایع و اغتشاشات اخیر آن قدر برجسته بود که تقریباً مورد تأیید قاطبهٔ مسئولان، گروه‌های مردمی و حتی جریانات مختلف سیاسی قرار گرفت، به نحوی که تقریباً از ناحیهٔ تمامی گروه‌های برشمردهٔ فوق اظهارات فراوانی در تجلیل و ستایش عملکرد پلیس بیان شد.

اما در خصوص نکتهٔ دوم و رمز توفیق پلیس می‌توان گفت: علاوه بر وجود راهبردی مشخص در کار پلیس، عوامل برشمرده زیر به شدت در موفقیت پلیس مؤثر بوده و در کنار وجود راهبرد انتظامی از جمله عوامل توفیق آن به شمار می‌روند:

(۱) رفتار قانونی پلیس

سازمان پلیس و عملکرد آن در هفته‌های اخیر نشان داد که آن چیزی که برای این سازمان مردمی اهمیت دارد، رفتار در چهارچوب مأموریت و وظایف قانونی خود می‌باشد. طبق قانون، وظیفهٔ پلیس دفاع از امنیت عمومی، تثبیت و استقرار نظم اجتماعی و دفاع از حقوق شهروندان از یک سو و ارکان نظام و کشور از سویی دیگر می‌باشد؛ بنابراین پلیس وظیفه دارد در محدودهٔ مقررات به اجرای قانون پرداخته و از هرگونه اخلال و اغتشاش جلوگیری نماید و در این میان نکته بسیار مهمی وجود دارد و آن، این است که پلیس نشان داد برای این سازمان، اقتدار نظام، امنیت مردم، ثبات اجتماعی و منافع ملی بر هر چیز دیگری تقدم داشته و نیز توفیق در عمل به مأموریت و اقتدار خود صرفاً با حمایت و هماهنگی مردم و مسئولان میسر است. لذا پلیس با اقتدار قانونی و مشروع خود به برخورد قاطع با دو گروه اخلال‌گر پرداخت. یک گروه اراندل و اوپاش و اخلال‌گرانی که با عناوین مختلف هدفی جز تخریب، نابودی نظم اجتماعی و ایجاد ناامنی در جامعه ندارند و با همراهی کامل با دشمنان قسم خورده این کشور در پی انهدام

اساس کشور می‌باشند و گروه دوم نیروهایی که بدون مسئولیت به اعمال و رفتاری دست می‌یازند که در شکنندگی نظم اجتماعی، اثر و پیامد نامطلوبی دارند. اخلال در نظم اجتماعی و تهدید جان، مال و نوامیس مردم تحت هر نام و عنوانی جرم است و پلیس کمترین مماشاتی با آنها نخواهد داشت و تردیدی نیست که اقدامات اخیر پلیس بیش از پیش بر اقتدار و مشروعیت این سازمان خواهد افزود.

۲) خویشن‌داری و سعه صدر پلیس

خویشتن‌داری در کار پلیسی امری بسیار حیاتی است. منظور از خویشتن‌داری تمرین صبر و سعه صدر مأموران و همچنین انتخاب وسیله‌ای است که کمترین مزاحمت را برای عموم مردم در جهت نیل به اهداف قانونی پلیس ایجاد می‌کند.

رکن خویشتن‌داری کار پلیسی در مواجهه با رفتارهای جمعی، قانع سازی است که مقدم بر هرگونه اعمال و کاربرد زور می‌باشد. قانع سازی از روش‌های سلطه روانی است و با اینکه استفاده از زور در مواقعی اجتناب‌ناپذیر است و از پلیس انتظار می‌رود که در صورت ضرورت به کاربرد زور و استفاده از قدرت قانون بپردازد، با وجود این، رعایت تناسب اقدامات پلیس از ضروریات کار پلیسی است.

مأموران پلیس باید از تهدید کردن در زمانی که قانع سازی منطقی کفایت می‌کند و از اعمال زور هنگامی که تهدید کار ساز است واز زور بیشتر هنگامی که زور کمتر کافی است، اجتناب و پرهیز کنند.

پلیس در جریانات اخیر به حداقل مداخله پرداخت و علی‌رغم داشتن اختیار قانونی در تمام مراتب و مراحل، اوج خویشتن‌داری خود را به نمایش گذاشت و نشان داد که در صورت وجود بصیرت و تدبیر مناسب، آموزه‌های

پلیسی چقدر کارساز می‌باشد.

۳) عامل رهبری و مدیریت پلیسی

و اما در کنار عوامل فوق نباید از عامل بسیار مهم رهبری و مدیریت حکمت‌آمیز پلیس کشور غفلت ورزید که با بصیرت، صراحت، صداقت و شجاعت مثال‌زدنی به هدایت سازمان پلیس، فضا سازی مناسب در سطح کشور، از بین بردن بسیاری از سوء تفاهمات و عمل مقتدر و عادلانه در کشور همت گماشت و با در نظر گرفتن اهمیت منافع ملی، کارنامه درخشانی از مدیران با انگیزه و موفق را به نمایش گذاشت. ►

